

Unit 13 book 5

نهر

یک نهر یک جریان کوچک است.
آب از چندین نهر از کوه جریان یافت.

خدمت به کسی

خدمت به کسی بدان معنی است که به آنها تمام چیزهایی که مورد نیازشان است، ارائه دهند.
بیل خیلی بیمار بود تا از تخت خارج شود، بنابراین پرستار او به نیازهایش پرداخت.

با ملاحظه

هنگامی که کسی با ملاحظه است، آنها به نیازهای دیگران توجه می کنند.
پسر با ملاحظه کادویی به دوست دخترش در روز ولنتاین ارائه داد.

مصرف

مصرف غذا یا نوشیدنی عمل خوردن یا نوشیدن آن است.
این سیب ها برای مصرف بیش از حد فاسد شده اند.

شاخص

معیارها عواملی هستند که طبق آن یک فرد تصمیم می گیرد.
قبل از اینکه او کار را دریافت کرد، او مجبور شد تمام معیارهای لازم را برآورده کند.

پوسته

پوسته قسمت بیرونی سخت از یک نان است.
پسر کوچک هرگز پوسته پیتزا خود را نخورد.

تخریب کردن

تخریب کسی به این معنی است که باعث شود که مردم شرمگین باشند.
معلم تخریب کرد باب را زمانی که او عملکرد ضعیف خود را به کلاس اعلام کرد

حق داشتن

حق داشتن کسی بدان معنی است که به آنها حقوق بدهد یا کاری را انجام دهد.
بلیط طلایی اش این حق را به او میداد که در ردیف جلو در کنسرت بنشیند.

اسکورت

اسکورت مردم به این معنی است که آنها را به راحتی همراهی کنند.
محافظان او او را به تئاتر فیلم همراهی کرد.

خارجی

هنگامی که چیزی خارجی است، به بخش بیرونی متصل می شود.
هوا در داخل خانه من گرم است، اما دمای خارجی خیلی سرد است.

امکانات

یک تسهیلات یک ساختمان است که برای یک هدف خاص وجود دارد.

امکانات آموزشی زیادی در شهرهای بزرگ وجود دارد.

قوه ذهنی

قوه ذهنی توانایی ذهنی یا جسمی است.

قوه ذهنی پسر، تمام معلمانش را تحت تأثیر قرار داد.

پشته

یک پشته از چیزها یک توده بزرگ از آنها است.

پس از آنکه ساختمان تخریب شد، همه چیزهایی که باقی مانده بود، یک پشته آجر بود.

نیمکره

نیمکره نیمی از زمین است.

در نیمکره شمالی، آب و هوا معمولاً در ماه های ژوئیه و اوت گرم است.

سگ شکاری

یک سگ شکاری نوعی سگ است که اغلب برای مسابقه یا شکار استفاده می شود.

هنگامی که آنها به سفر شکار رفتند، مردان با خودشان سگ های شکاری را بردند

بی عاطفه

اگر چیزی بی عاطفه باشد، دوستانه نیست و باعث می شود مردم احساس همدردی نکنند.

پسر در روز اول دبیرستان بی عاطفه خود احساس ترس کرد

تزئین

تزئین یک شیء جذاب است که مردم در خانه های خود نمایش می دهند.

زن برخی از زیور آلات رنگارنگ را در قفسه ها نگه داشت.

عابر پیاده

یک عابر پیاده فردی است که در خیابان راه می رود.

ماشین ها باید مراقب باشند که عابران پیاده در حال راه رفتن هستند.

جایگاه مقدس

یک پناهگاه جایی است که مردم در معرض خطر می توانند به آن پناه ببرند.

کلیسا برای افراد بی خانمان در زمستان به یک پناهگاه تبدیل شد.

تماشاگر

یک تماشاگر کسی است که چیزی را تماشا می کند، به ویژه یک رویداد ورزشی.

هزاران تماشاگر در بازی بزرگ وجود داشت.

سگ شکاری پیر

الویس یک سگ بود که دوست داشت بدود. او تمام معیارهای یک سگ مسابقه ای عالی را داشت. او پاهای بلند، عضلات لاغر

و یک قلب قوی داشت. او خیلی خوب بود که هرگز در نیمکره شمالی یک مسابقه را از دست نداد. تماشاچیان که بر روی

نژادهای سگ شرط می بستند، الویس را انتخاب کردند تا برنده شوند.

پس از ده سال مسابقه، الویس پیر شد. قوه ذهنی او به اندازه قدیم قوی نبودند. صاحب او ناراحت شد زمانی که الویس

شروع به از دست دادن قوه ذهنی کرد. صاحب الویس یک شخص با ملاحظه نبود. او تمام وقت سگ را تخریب کرد.

سرانجام، مالک او تصمیم گرفت از او خلاص شود. او الویس را در ماشینش انداخت و او را به وسط جنگل برد. او او را پرتاب کرد و فرار کرد. الویس سردش بود و ترسیده بود. او تصمیم گرفت به دنبال یک نهر به شهر برود.

الویس به زودی متوجه شد که این شهر یک مکان بزرگ و بی عاطفه است. هر جا که رفت، او تابلو هایی را میدید که گفت: "هیچ سگ مجاز نیست." عابرین پیاده به او فریاد زد. او غمگین، گرسنه، و تنها بود. او فکر کرد که همه مردم به اندازه صاحبش بی رحمان و خشن بودند. او آماده بود تا تسلیم شود تا زمانی که صدای لطیف را شنید، "چه سگ زیبایی!" الویس نگاه کرد و یک پیرمرد را دید. او گفت: "شما حق زندگی بهتر از این را دارید. من می توانم شما را به یک پناهگاه برای سگ های پیری مانند شما ببرم. من به تمام نیازهای شما را برآورده می کنم. آیا دوست داری با من بیایی؟"

زن الویس را به یک مرکز زیبا راهنمایی کرد. تابلو ای در درب خارجی وجود داشت که می گفت: "سگ ها خوش آمدید!" داخل ساختمان آبی رنگ شده بود، و زیور آلات براق از سقف آویزان بودند. یک پشته از استخوان های خوشمزه و پوسته نان برای مصرف وجود داشت.

الویس آموخت که افراد مهربانی در جهان وجود دارند. او انقدر سپاسگزار بود به طوریکه او پرید و چهره زن را لبس زد.